

زردشت و گاهان

بررسی دستوری و محتوایی دو فصل ۴۷ و ۴۸ سپنتامنیوگاه
(اوستا و زند)

مهندس میرفخرایی

مدرس

دانشیار

مدرس

مدرس

مدرس

مدرس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زردشت و گاهان

بررسی دستوری و محتوایی دو فصل ۴۷ و ۴۸ سپنتامنیوگاه
(اوستا و زند)

مهشید میرفخرایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

زردشت و گاهان

بررسی دستوری و محتوایی دو فصل ۴۷ و ۴۸ سپتامنیوگاه

(اوستا و زند)

مؤلف: مهشید میرفخرایی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

صفحه آرا: معصومه لوائی

نمونه خوان: نادیا حاجی پور

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

اجرای جلد و ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: میرفخرایی، مهشید، ۱۳۲۷-

عنوان قراردادی: اوستا. یسنا. گاهان. سپتامنو. فارسی

Avesta . Yasna . Gathas. Sepantāminu . Persian

عنوان و نام پدیدآور: زردشت و گاهان: بررسی دستوری و محتوایی دو فصل ۴۷ و ۴۸ سپتامنیوگاه (اوستا و زند)/ مهشید میرفخرایی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۵۵ص.

شابک: 978-964-426-926-4

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتاب نامه.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: بررسی دستوری و محتوایی دو فصل ۴۷ و ۴۸ سپتامنیوگاه (اوستا و زند).

موضوع: اوستا. یسنا. گاهان— نقد و تفسیر.

موضوع: Avesta— Criticism and interpretation

موضوع: زبان اوستایی — دستور

Avestan language — Grammar

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۴۷۵/۹ PIR

رده بندی دیویی: ۲۹۵/۸۲

شماره کاتالانسی ملی: ۴۶۸۹۵۰۰

با یاد فائق

که رفتن رسیدن است

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار.....
۹.....	۱. مقدمه.....
۹.....	۱-۱. گاهان اوستای قدیم.....
۱۰.....	۲-۱. شواهد اوستای جدید در مورد ترتیب متون اوستای قدیم.....
۱۰.....	۱-۲-۱. ویسپرد.....
۱۰.....	۲-۲-۱. وندیداد.....
۱۱.....	۳-۲-۱. نظر اوستاشناسان درباره ترتیب گاهان.....
۱۱.....	۳-۱. ارجاع‌های درون‌متنی میان سرودهای گاهان.....
۱۲.....	۱-۳-۱. نام زردشت.....
۱۳.....	۲-۳-۱. آموزه‌های دو مینوی نخستین.....
۱۳.....	۳-۳-۱. درخشان شدن (fraša) هستی.....
۱۴.....	۴-۳-۱. دعا‌های مقدس.....
۱۴.....	۵-۳-۱. گاهان به شیوه تألیف شفاهی.....
۱۵.....	۴-۱. موقعیت یسن هفت‌ها در میان گاهان.....
۱۶.....	۱-۴-۱. یسن هفت‌ها کانون مراسم عبادی.....
۱۶.....	۵-۱. مؤلف و پدیدآورنده گاهان.....
۱۸.....	۶-۱. وزن گاهان.....
۱۸.....	۷-۱. دستنویس‌های یسن‌ها.....
۱۸.....	۸-۱. پیشینه پژوهش.....
۱۸.....	۹-۱. فرایند پژوهش.....

- ۱-۱۰. یادداشت‌های مقدمه ۱۹
۲. فصل‌های ۴۷ و ۴۸ سپنتامنیو گاه ۲۱
- ۲-۱. مضمون فصل ۴۷ سپنتامنیو ۲۳
- ۲-۲. متن اوستایی یسن ۴۷ ۲۴
- ۲-۳. حرف‌نویسی فصل ۴۷ ۲۵
- ۲-۴. برگردان فارسی فصل ۴۷ ۲۷
- ۲-۵. یادداشت‌های برگردان فارسی فصل ۴۷ ۲۸
- ۲-۶. تداعی و ساخت متقارن در تألیف یسن ۴۷ ۳۶
- ۲-۷. مضمون فصل ۴۸ ۴۸
- ۲-۸. متن اوستایی یسن ۴۸ ۴۸
- ۲-۹. حرف‌نویسی متن اوستایی یسن ۴۸ ۵۱
- ۲-۱۰. برگردان فارسی فصل ۴۸ ۵۳
- ۲-۱۱. یادداشت‌های برگردان فارسی فصل ۴۸ ۵۶
۳. زند فصل‌های ۴۷ و ۴۸ سپنتامنیو گاه ۷۵
- ۳-۱. مقدمه ۷۷
- ۳-۱-۱. ترجمه پهلوی اوستا یا زند ۷۷
- ۳-۱-۲. ترجمه‌های پهلوی موجود، تاریخ نسبی آنها و مکتب‌های تفسیری ۷۷
- ۳-۱-۳. سنت ترجمه و علت ترجمه اوستا به پهلوی ۷۸
- ۳-۱-۴. روش ترجمه ۷۹
- ۳-۱-۴-۱. شکل بیرونی ۷۹
- ۳-۱-۴-۲. نحو ۷۹
- ۳-۱-۴-۳. توضیح و تفسیر ۷۹
- ۳-۱-۴-۴. برگردان مقوله‌های صرفی و واژه‌های اوستایی به پهلوی ۸۰
- ۳-۱-۵. ترجمه پهلوی گاهان و تغییر کارکرد و گمشدن مفاهیم ۸۰
- ۳-۱-۶. دستنویس‌ها ۸۷
- ۳-۱-۷. یادداشت‌های مقدمه زند ۸۷

۹۰	۲-۳. متن زند فصل ۴۷.....
۹۱	۳-۳. آوانویسی متن زند فصل ۴۷.....
۹۳	۴-۳. برگردان فارسی.....
۹۵	۵-۳. یادداشت‌های برگردان.....
۹۹	۶-۳. متن زند فصل ۴۸.....
۱۰۲	۷-۳. آوانویسی متن زند.....
۱۰۵	۸-۳. برگردان فارسی فصل ۴۸.....
۱۰۸	۹-۳. یادداشت‌های برگردان فارسی فصل ۴۸.....
۱۱۵	۴. واژه‌نامه اوستا - زند - فارسی.....
۱۳۹	کتابنامه.....

پیشگفتار

در ادبیات غرب، از زمان یونان باستان تا اواخر سده نوزدهم میلادی، برخی بر این نظر بوده اند که زردشت نه پیام‌آور، بلکه ستاره‌شناس، اختربین و یا دانایی از شرق باستان، و از نظر تاریخی شخصیتی قابل تردید شناخته می‌شد. اما با زدودن غبار افسانه‌ها و تحریف‌ها و ارجاع به شاهدی معتبر، متن اوستا، چهره دیگری از او ترسیم شد: یکی از بزرگترین مصلحان تاریخ و پایه‌گذار یکی از ادیان مهم جهان که به نام او منسوب است و بیش از یک هزار سال دین رسمی شاهنشاهی بزرگ ایران بوده است.

هر چند شعائر اصلی دین زردشتی آنگونه که زردشت در سده‌های پیش بنیاد نهاده است، در میان پیروان کنونی نیز رواج دارد، اما روشن است که نظام کلی آن در طول زمان تحول پذیرفته و چهره ساده‌آغازین را از دست داده و با سنت‌های ادیان دیگر در آمیخته است. از میان سرودهای گاهان، تنها یک شخصیت مشخص با ما سخن می‌گوید که در جای جای آن، خود را زردشت، سراینده سرودها می‌نامد. بخش‌های متأخر اوستا و ادبیات پهلوی نیز او را شخصیتی تاریخی و خالق سرودهای گاهانی می‌شناسند. گرچه خواندن و تعبیر و تفسیر پیام زردشت در قالب واژگان و با گفتمان شاعرانه، که با آن پیروانش را مخاطب قرار می‌دهد، آسان نیست، اما شوق درک و دریافت پیام متعالی او، هر چند اندک، از ورای سده‌ها، پژوهندگان بسیاری را از سراسر جهان راهی این مسیر دشوار ساخته است. پژوهشگر کوشش و تلاش خود را می‌کند، اما در پایان از تمام ابهاماتی که قادر به روشن ساختن آنها نبوده، آگاه است. ویژگی هر ترجمه‌ای از گاهان موقتی بودن آن است.

پژوهش پیش‌رو، بررسی متن اوستا و زند دو فصل ۴۷ و ۴۸ از چهار فصل گاه سوم، سپنتامنیوگاه (spəntā.maiyū.gāθā) است. به نظر می‌رسد فصل ۴۸ از آنجایی آغاز می‌شود

که فصل ۴۷ به پایان رسیده و به همین سبب، این دو در کنار هم و جدا از دیگر فصل‌ها بررسی شده است.

با سپاس فراوان از جناب آقای دکتر قبادی، ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که چاپ و انتشار کتاب نتیجه دستوره‌ای مساعد ایشان است.

با تشکر بسیار از جناب آقای دکتر احمدرضا قائم‌مقامی که بخش‌هایی از متن را مطالعه و نکات سودمندی را یادآوری کردند.

حروف‌چینی کتاب کاری از خانم فاطمه حاجی‌پور و نمونه‌خوانی و تنظیم نمایه‌ها نتیجه کوشش‌های خانم نادیا حاجی‌پور، دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی و آماده‌سازی آن برای چاپ حاصل زحمات جناب آقای زعفرانچی رئیس انتشارات پژوهشگاه و همکاران ایشان است، از همه آنان سپاسگزار است.

۱. مقدمه

۱-۱. گاهان اوستای قدیم

دین زردشتی، دین ایران پیش از اسلام، یکی از قدیم‌ترین یا در واقع قدیم‌ترین دینی است که پیامبری ایرانی پایه‌گذار آن بوده است. این دین نیز مانند دیگر ادیان بر اهمیت کلام پیامبر، گاهان، که در کتاب مقدس زردشتیان، اوستا، محفوظ مانده است، تأکید دارد. متون اوستایی، بنابر قدمت تاریخی‌شان، از قدیم‌ترین آثار زبان‌های خانواده هندواروپایی به شمار می‌آیند. اوستا علاوه بر متون اوستایی، شامل ترجمه و تفسیر آنها به فارسی میانه، یعنی زند، هم می‌شود.

مجموعه اوستا در اثر کوشش‌های موبدان زردشتی، نخست سینه به سینه، از طریق سنت شفاهی و سپس احتمالاً از اواخر دوره ساسانی، به شکل مکتوب باقی مانده است. اوستا مجموعه‌ای یکدست نیست، بلکه حاوی متونی از دوران مختلف و در انواع ادبی گوناگون و از نظر زبان و محتوا شامل دو بخش اصلی، اوستای قدیم به گویش کهن‌تر و اوستای جدید به گویش متأخر و تحول‌یافته‌تر، است.

اوستا از نظر کاربرد نیز به دو گروه تقسیم می‌شود: متون آیینی و متون نیایشی یا دعایی. متون آیینی که توسط روحانیان طی مراسم دینی در آتشکده خوانده می‌شود، شامل یسن (yasna: ستایش و نیایش)‌ها، ویسپرد (vīspe ratavō: همه ردان) و وندیداد (vīdaēva.dāta: قانون منکران دیوان) است. متون نیایشی را که روحانیان و عامه مردم در هر جایی می‌خوانند شامل یشت (yašti: ستایش)‌ها و خرده اوستا است.

اوستای قدیم بخشی از یسن هاست. یسن‌ها شامل ۷۲ هاد/ها (hāiti: فصل) است و از سه بخش عمده تشکیل شده است: فصل‌های ۱-۳۷؛ ۲۸-۵۴ و ۵۵-۷۲. اوستای قدیم، کهن‌ترین بخش ادبیات اوستایی، میان فصل‌های ۲۷ تا ۵۵، که مرکز یسن هاست، قرار دارد و شامل گاهان (gāthā: گاه، سرود)، یسن منثور هفت‌ها (haptaō hāiti: هفت فصل) و دو دعای مقدس

اهونور (۱۳/۲۷ ahuna.vairya) و ایریمن‌ایشیه (۱/۵۴ aryaman išya) است (هینتسه، ۱۳۹۳: ۴۰-۳۹).

گاهان شامل هفده گاه (= سرود) است که بر اساس وزنشان، در پنج گروه مرتب شده‌اند. هر کدام از این گاه‌ها نامی دارد که از واژه‌های آغازین آن گاه بر گرفته شده است. گاه اول اهنویتی (ahunavaiti: فصل‌های ۲۸-۳۴)، گاه دوم اشتویتی (uštavaiti: فصل‌های ۴۳-۴۶)، گاه سوم سپنتامنیو (spəntā.mainyū: فصل‌های ۴۷-۵۰)، گاه چهارم وهوخشثرا (vohūxšaθrā: فصل ۵۱) و گاه پنجم وهیشثویشتی (vahištōišti: فصل ۵۳) نام دارد.

۱-۲. شواهد اوستای جدید در مورد ترتیب متون اوستای قدیم

ساخت هم‌مرکزی متون اوستای قدیم (← بعد ۱-۲-۵-)، احتمالاً برجسته‌ترین ویژگی آرایش و ترتیب آنهاست. یسن هفت‌ها میان نخستین گاه، اهنویتی، و دومین گاه، اشتویتی، جای دارد. ویسپرد و وندیداد، دو متن اوستای جدید، حاوی شواهدی هستند که نشان می‌دهند در زمان تألیف آنها، گاهان ترتیب امروزی خود را داشته است.

۱-۲-۱. ویسپرد

در فصل اول ویسپرد (بندهای ۴-۸)، متون مقدس اوستای قدیم، در میان دیگر ستودنی‌ها، تحسین و بزرگ داشته می‌شوند که با اهنونور، اشم وهو (ašəm vohu، یسن ۱۴/۲۷)، و ینگه‌هاتام (yeŋhe hātām، یسن ۱۵/۲۷) شروع می‌شود (بند ۴) و با اهنویتی، هفت‌ها (بند ۵)، اشتویتی، سپنتامنیو (بند ۶)، وهوخشثرا و وهیشثویشتی گاه (بند ۷) ادامه و با دعای ایریمن‌ایشیه (بند ۸) پایان می‌پذیرد. این فهرست دقیقاً مطابق ترتیبی است که در یسنای موجود آمده است.

۱-۲-۲. وندیداد

این فهرست با همین ترتیب در وندیداد نیز آمده است. در فرگرد دهم (بندهای ۲-۱۲) زردشت از اهوره‌مزدا می‌پرسد که چگونه دیو نسو (nasu) را، که از تن مرده می‌آید و زندگان را آلوده می‌سازد، دور کند. اهوره‌مزدا در پاسخ می‌گوید که او، زردشت، با خواندن این پاره‌های گاهان که باید دو، سه و چهار بار خوانده شوند، می‌تواند این دیو را دور سازد. اهوره‌مزدا در پاسخ به پرسش زردشت از نشانی این بیت‌ها، یک یک آنها را بر می‌شمارد: یسن‌های ۱/۲۸، ۲/۳۵ و ۴/۳۹، ۱۳/۲۷ و ۳/۴۱، ۵/۴۳، ۱/۴۷، ۱/۵۱، ۱/۵۳، دو بار؛ ۱۴/۲۷، ۱۱/۳۳، ۵/۳۵، ۹/۵۳ سه بار؛ و ۱۳/۲۷

۱۵/۳۴ و ۱/۵۴ چهار بار. افزون بر این، بنابر دستورالعمل‌های مندرج در دستنویس‌ها، هنگام برگزاری مراسم یسنه، این پاره‌ها باید دو، سه و چهار بار خوانده شوند، دستوری که امروزه نیز در مراسم رعایت می‌شود (کوتوال - کرین بروک، ۱۹۹۵: ۹۹-۱۰۱). ترتیبی که با آن پاره‌های گاهان در ویسپرد و وندیداد آمده است، نشان می‌دهد که زمانی که این متون اوستای جدید نوشته شدند، گاهان و هفت‌ها و دو دعای مقدس بنابر الگوی هم مرکزی تألیف شده بودند (هینتسه، ۲۰۰۲: ۳۳-۳۴).

۱-۲-۳. نظر اوستاشناسان درباره ترتیب گاهان

قدمت ترتیب مذکور در اوستای جدید، به گاهان، شواهد درون متنی و مؤلف آن باز می‌گردد. دانشمندان بسیاری در مورد ترتیب گاهان بحث و اظهار نظر کرده‌اند. دوشن گیمین (۱۹۵۳: ۳۱-۳۷؛ ۱۹۷۳: ۱۵۰-۲۵۶) معتقد است که ترتیب فعلی گاهان اصلی نیست. ماریان موله (۱۹۶۳: ۱۷۶-۱۸۹) ترتیب کنونی را معتبر می‌داند. کلنز (۱۹۹۱: ۵۷-۵۹) بر این نظر است که پنج گاه گاهان یک کل منسجم را تشکیل داده‌اند و تقسیم گاه‌ها به‌ها (= فصل)‌ها را کار یک مدیر می‌داند که این کل یک پارچه را به اجزای کوچک‌تر بخش کرده است. هومباخ (۱۹۹۱، ج ۱: ۵) عقیده دارد که به سبب پیچیدگی فوق‌العاده یسن ۱/۲۸ و ۲۲/۵۱، این دو می‌توانند پاره‌های آغازی و پایانی چهار گاه نخست باشند و نتیجه می‌گیرد که بنابراین غیر ممکن نیست که ترتیب صرفاً صوری سرودها بر اساس وزنشان، ترتیب اصلی اثر را - بدان گونه که مورد نظر خود پیامبر بوده - بازتاب دهد و می‌افزاید سرودها اشارات اندکی به شرایط بیرونی دارند و جستجو برای یافتن زنجیره‌های متوالی موضوعی، اخلاقی و... در آنها بی‌فایده است.

۱-۳-۳. ارجاع‌های درون متنی میان سرودهای گاهان

ویژگی‌های سبکی نشان می‌دهند که توالی متون اوستای قدیم، به گونه‌ای که در یسن‌ها مرتب شده‌اند، از یک اصل ساختاری، یعنی ارجاع‌های درون متنی میان سرودهای یک گاه و تک‌تک گاه‌ها، پیروی می‌کنند. این ارجاع‌های درون متنی این نظر را تأیید می‌کنند که گاهان اثر یک شخص، و نه آن گونه که کلنز ادعا می‌کند، یک جمع ناشناس و گمنام است (هینتسه، ۲۰۰۲: ۳۵). کلنز استدلال می‌کند که به جز تنها موردی که نام زردشت با فعل اول شخص مفرد آمده (یسن ۸/۴۳)، زردشت نمی‌تواند «من» گاهان باشد، زیرا در شانزده^(۱) شاهد از این نام، ضمیر سوم شخص مفرد جایگزین «من» (= گوینده) شده است و افزون بر این، جای تعجب بسیار است که

اگر زردشت «من» می‌بود، خود را منادا خطاب کند (یسن ۱۴/۴۶). کلنز معتقد است چون در پاره‌های بعدی (۱۷-۱۵/۴۶) نام‌های دیگری منادا واقع شده‌اند، به نظر می‌رسد که گوینده، در اینجا شماری شخصیت‌های جهان گاهانی را مخاطب قرار داده باشد که نخستین آنها زردشت و سپس هیچت‌اسپه‌سپیتامه (haēcat.aspa.spitāma)، فروشتر (frašaoštra) و جاماسپ (dājamāspa) بوده باشند (۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۸). از آنجا که متن هیچ نشانی به دست نمی‌دهد که پس از منادا واقع شدن زردشت، سخنگو، دوباره خود اوست، کلنز این را که گوینده در پنج شاهد دیگر (۱۵/۴۶، ۱۹/۵۱، ۱۱/۱۲، ۱۵) خود زردشت است، منتفی می‌داند. قوی‌ترین دلیل کلنز این است که در سه عبارت نام زردشت در تقابل «من» یا «ما» قرار گرفته که مهم‌ترین آنها یسن ۶/۲۸ «به زردشت و به ما» است^(۳). بنابراین «من» یا «ما» گاهان، تنها به پرستندگان واقعی اشاره دارد، نه به خود زردشت. او در این مورد که زردشت پایه‌گذار دین زردشتی است، تردید نمی‌کند، اما بنیان‌گذار را از مؤلف / مؤلفان گاهان جدا می‌داند. به نظر او گاهان اثر زردشت و یا هر فرد خاصی نیست، بلکه حاصل تراوشات فکری یک گروه مذهبی از محفل گاهانی است (کلنز، ۱۹۹۴: ۱۵۴ و بعد).

هینتسه (۲۰۰۲: ۳۵) این استدلال کلنز را که زردشت نمی‌تواند مؤلف گاهان باشد چون به هنگام ذکر نامش از «من» به سوم شخص تغییر جایگاه می‌دهد، قطعی نمی‌داند و نظایر این تغییر موضع را از ریگ‌ودا شاهد می‌آورد. گوینده ودا نیز هنگام ذکر نامش، خود را با سوم شخص خطاب قرار می‌دهد و آزادانه به اول یا دوم شخص تغییر جا^۱ می‌دهد. مثلاً گوینده vasiṣṭha در آغاز سرود، خود را به ستایش ایندرو ملزم می‌سازد، به این اطمینان که: «ایندرو نیز به سرود کسی چون من گوش می‌سپارد» (ریگ‌ودا: ۱/۲۳/۷). به علاوه در یک شاهد گاهانی (یسن ۱۹/۴۶)، که کلنز به عنوان عبارت مبهم از آن گذشته است، «من» با زردشت، یکی است: «چه کسی بنابر راستی، برای من، برای زردشت، آنچه را که بنابر خواست شگفت‌ترین است، محقق خواهد ساخت».

۱-۳-۱. نام زردشت

ارجاع‌های درون‌متنی به پس و پیش نشان می‌دهند که توالی زنجیره‌ای گاهان آگاهانه ترتیب یافته است. به عنوان مثال، نام زردشت دقیقاً در میان یازده پاره یسن ۲۸، نخستین سرود آمده است. این نام در یکی از دو پاره مرکزی سرود آغازی دومین گاه، با شانزده پاره (۸/۴۳)،

۱. تغییر سخن از غیبت به خطاب یا از خطاب به غیبت را التفات گویند ← شمیسا، ۱۳۶۹: ۹۲.

دیده می‌شود. به علاوه نام زردشت در مرکز سرود پایانی سومین گاه (۶/۵۰) با یازده پاره، و چهارمین گاه (۱۱/۵۱) با بیست و دو پاره آمده است (شوارتس، ۱۹۹۱: ۱۳۰؛ هینتسه، ۲۰۰۲: ۳۷). بدین ترتیب نام زردشت در مرکز دو سرود آغازی و دو سرود پایانی چهار گاه آمده است. به نظر نمی‌رسد که این حضور اتفاقی باشد. به احتمال زیاد، نام پیامبر به عمد در مرکز سرودهای آغازی و پایانی قرار داده شده، تا نقش مرکزی و قطعی او را برجسته سازد. در این صورت یسن‌های ۲۸ و ۴۳ باید همواره سرودهای آغازی دو گاه نخستین و یسن ۵۰ و ۵۱ سرودهای پایانی دو گاه ۳ و ۴ باشند. افزون بر این، با استفاده از همین نظم می‌توان از طریق یک ارتباط متنی به معنی نام زردشت دست یافت.

اجزای این نام در دو پاره ۱۷ و ۱۸ های ۴۴ گاهان دیده می‌شود: zarəm «پیری» (۱۷/۴۴ب) و uštrəma «شتر» (۱۸/۴۴پ)، که روی هم به معنی «دارنده شتر پیر» است (شوارتس، ۲۰۰۶: ۵۷). هومباخ (۱۹۹۱: ج ۲، ۱۵۹) نیز به این ارتباط متنی در مورد نام زردشت اشاره می‌کند اما جزء اول ترکیب را به معنی «هدف» و «غایت» می‌داند.

۱-۳-۲. آموزه‌های دو مینوی نخستین

تطابق‌هایی نیز میان سومین سرود هر یک از دو گاه نخست، یعنی ۳۰ و ۴۵، سرودهای مشهور به دو مینوی نخستین، دیده می‌شود. هر دو از یک الگوی ساختاری پیروی می‌کنند که در آن

۱. آرزوی سراینده برای اعلام کردن آموزه‌هایش (۱/۳۰، ۶-۱/۴۵ به عنوان ترجیع‌بندها)،

۲. با درخواستش برای شنیده شدن (۲/۳۰، ۱/۴۵)، و

۳. با پیامش درباره سرآغاز هستی و دو مینوی نخستین (۳/۳۰-۶ و ۲/۴۵-۶)، دنبال می‌شود.

بدین ترتیب آموزه‌های دو مینوی نخستین، که در الهیات گاهانی نقش مرکزی دارد، در دو سرود دو گاه نخست قرار می‌گیرند و ساختار متناظری را نشان می‌دهند (شدر، ۱۹۴۰: ۳۹۹-۴۰۸؛ هینتسه ۲۰۰۲، ۳۸).

۱-۳-۳. درخشان شدن (fraša) هستی

ویژگی ساختاری دیگری که در سه گاه نخستین دیده می‌شود، پایان آنهاست. پاره‌های پایانی این سه گاه حاوی این آرزوست که «باشد که هستی عالی یا درخشان شود» (۱۵/۳۴)، یا که «باشد که آنچه بنابر آرزو عالی‌ترین یا درخشان‌ترین است، تحقق یابد» (۱۶/۴۶، ۱۱/۵۰). واژه

کلیدی در اینجا *fraša* است که در ترکیب *frašō.kərəti-* اوستای جدید به کار رفته است و به واژگان رستاخیزی تعلق داشته است. این اصطلاح فنی، تقریباً به معنی «عالی یا شگفت سازی» است و به کمال جهان پس از نابودی کامل شر اشاره دارد. کاربرد این واژه در پایان سه گاه نخست می‌تواند به عنوان یک ویژگی سبکی تفسیر شود (موله، ۱۹۶۳: ۱۸۰-۱۸۹؛ هینتسه، ۲۰۰۲: ۳۸).

۱-۳-۴. دعا‌های مقدس

دعای اهنه‌ویریه در واقع نخستین پاره گاه اول، اهنویتی (۲۸-۳۴) و دعای ایریمن‌ایشیه، پاره پایانی آخرین گاه (۵۳) است (کلنز - پیرار، ۱۹۸۸: ۲۷۷). این ترتیب از وزن آنها مشخص است: اهنه‌ویریه بر وزن نخستین گاه، اهنویتی، و ایریمن‌ایشیه، بر وزن وهیشتویشتی، آخرین گاه، است. افزون بر این، نام گاه اهنویتی از دعای اهنه‌ویریه بر گرفته شده است و این بدان معناست که اهنه‌ویریه همواره دعای آغازی و ایریمن‌ایشیه دعای پایانی متون اوستای قدیم بوده است. دو دعای مقدس دیگر، اشم‌وهو (*ašəm vohū*) و ینگه‌هاتام (*yeñhē hātām*)، بر اساس نخستین پاره یسن ۴۳، پس از هفت‌ها و آخرین پاره یسن ۲۲/۵۱ تألیف شده‌اند. این ترتیب نشان می‌دهد که پاره‌هایی که این دو دعای مقدس بر اساس آنهاست، موقعیت آغازی و پایانی خود را در زمان تصنیف این دعاها داشته‌اند.

۱-۳-۵. گاهان به شیوه تألیف شفاهی

شواهد نقل‌شده در ارتباط با ارجاع‌های درون‌متنی میان سرودهای گاهان، یادآوری موضوع‌های مرکزی در نقاط محوری، واژه‌های کلیدی در مواضع مهم، مانند نام زردشت در پاره‌های چهار گاه از پنج گاه و اشاره به عالی‌سازی هستی در پایان سه گاه نخست، نشان می‌دهند که صنعت شعری آگاهانه‌ای در تصنیف سرودها به کار رفته است.

صنعت شعری قرار دادن موضوع اصلی در مرکز سرود، به شیوه تألیف حلقه‌ای تعلق دارد. این سبک آرایش یا ترتیب متقارن، سرود را در دایره‌های هم مرکز، حول یک نقطه، نشان می‌دهد به طوری که نقطه بازگشت هم با نقطه شروع و هم با نقطه پایان مطابقت دارد، یعنی سرود در حالی که به پایانش نزدیک می‌شود، به مسیر رفت باز می‌گردد و گام به گام عناصر گوناگون مسیر پیشین را پشت سر می‌گذارد؛ مثلاً در سرودی با یازده پاره، پاره نخست با پاره ۱۱، ۲ با ۱۰، ۳ با ۹، ۴ با ۸ و... مطابقت می‌کنند. این طرح سبکی تقارن نامیده می‌شود و ویژگی

معمولی تألیف حلقه‌ای است. هانس پیتر اشمیت (۱۹۷۴) و مارتین شوارتس (۱۹۹۸، ۱۹۹۱) بررسی‌های مفصلی در مورد ترکیب تک تک سرودهای گاهانی کرده و نشان داده‌اند که این سرودها دارای چنین ساخت حلقه‌ای هستند. شوارتس معتقد است که اگر نه همه، بیشتر سرودها دارای ساخت حلقه‌ای هستند و از الگوی خاص هم‌مرکزی شعاعی (radial cancentration) پیروی می‌کنند به طوری که پاره‌ها، با توجه به پاره‌های مرکزی، به شکل متقارن مرتب شده‌اند و سرودهای مرکزی با سرودهای آغازی و پایانی مرتبط هستند و غالباً موضوع اصلی شعر را به طور فشرده در خود گنجانیده‌اند (شوارتس، ۱۹۹۸: ۱۳۳؛ هینتسه، ۲۰۰۲: ۳۹).

فن ترکیب حلقه‌ای به سنت شفاهی تعلق دارد که همهٔ اوستا عمیقاً در آن ریشه دارد. افزون بر این دقتی که در وضع نشانه‌ها در سرودها شده است، این نظر را تأیید می‌کند که در ابتدا گاهان برای فهمیدن تألیف شده و تنها در دوران پساگاهانی است که زبان از کارکرد خارج و به تدریج منسوخ شده است (هینتسه، همانجا).

۱-۴. موقعیت یسن هفت‌ها در میان گاهان

ساخت ترکیبی بخش مرکزی یسن‌ها یعنی اوستای قدیم و این که چرا و چگونه جریان سخنان متعالی و مقدس گاهان با حضور هفت‌ها، متنی که به نظر متأخر می‌آید، قطع شده، مورد بحث دانشمندان بوده است. نارتن در پژوهش ارزندهٔ خود (۱۹۸۶) روشن ساخت که گاهان و یسن هفت‌ها دو اثر هم‌زمان و مکمل یکدیگرند و تفاوت میان آنها به سبب دو سبک ادبی متفاوت است. زبان هفت‌ها عملاً مشابه گاهان است، ولی قالب بیان این دو تفاوت دارد. گاهان متنی موزون به وزن‌های هجایی مشخص است. هر بیت تعداد معینی هجا و یک درنگ دارد، گرچه ممکن است هر بیت یک هجا کم یا زیاد داشته باشد. افزون بر این در هر پاره تعداد ابیات یکسان است. در مقابل، سبک هفت‌ها چنین وزن قاعده‌مندی را نشان نمی‌دهد. در هفت‌ها واحدهای نحوی کوچک با هم ترکیب می‌شوند و سبکی را پدید می‌آورند که الگوی آهنگینی را به نمایش می‌گذارند. در ویسپرد اوستا (۱۴/۴)، جایی که از اصطلاحات شعری گاهان سخن می‌گوید، با اصطلاحات مشابه، به توصیف هفت‌ها نیز می‌پردازد (۱۶/۴). مقایسه ترکیب هفت‌ها با گاهان، هم تفاوت وزن و هم شباهت شعری، هر دو را روشن می‌سازد. هفت‌ها نثری معمولی به مفهوم کلام ساده و بی‌پیرایه نیست، بلکه مانند گاهان سروده‌ای است که انواع گوناگون صنایع و آرایه‌های ادبی در آن به کار رفته است^(۳).

۱-۴-۱. یسن هفت‌ها کانون مراسم عبادی

یسن هفت‌ها نیز مانند گاهان دارای ساخت هم‌مرکز است. دو فصل آغازی (یسن‌های ۳۵ و ۳۶) و دو فصل پایانی (۴۰ و ۴۱)، سه فصل مرکزی (یسن‌های ۲۷-۳۹) را در بر گرفته که درون‌مایه اصلی آنها ستایش اهوره‌مزدا و آفریدگان مادی و معنوی اوست. یسن ۳۸، مرکزی‌ترین فصل، آبها و نیروهایی را که در طول اجرای مراسم فعال هستند ستایش می‌کند. در دو فصل آغازی، پس از آن که پرستندگان خود را به انجام آنچه خوب است، یعنی پرستش اهوره‌مزدا و مراقبت از چهار پایان (۲۵) متعهد می‌سازند، تقدیس آتش آیینی نیز انجام می‌گیرد (۳۶). در دو فصل پایانی (۴۰-۴۱)، پرستندگان از اهوره‌مزدا می‌خواهند تا نیایش‌های آنها را بپذیرد و عبادتشان را پاداش دهد و حمایتش را از ایشان دریغ نورزد. نه تنها ساخت کل یسن هفت‌ها، بلکه نظم درونی فصل ۳۶ آن نیز از الگوی هم‌مرکزی پیروی می‌کند، به طوریکه پاره‌های مرکزی به موضوع اصلی اختصاص یافته‌اند، یعنی استحاله آتش آیینی با آتش اهوره‌مزدا (پاره ۳) و احترامی که با آن به آتش نزدیک می‌شوند (پاره ۴) (هینتسه، ۲۰۰۲: ۴۷-۴۸).

بنابراین چنین به نظر می‌رسد که نظم و ترتیب هم‌مرکزی اوستای قدیم، از بنیان آیینی است و محصور شدن یسن هفت‌ها در سرودهای گاهانی ظاهراً بدین سبب است که هفت‌ها به عنوان کانون مراسم عبادی، همواره در مرکز قرار داشته و کل مراسم نیز با دعا‌های مقدس آغاز و پایان می‌یافته است.

۱-۵. مؤلف و پدیدآورنده گاهان

اشاره‌های گاهان و یسن هفت‌ها حاکی از آن است که در زمان سرایش این متون، پرستندگان، روحانیان و مردم عادی پیرامون آتش مقدس گرد می‌آمدند و به ستایش اهوره‌مزدا و آفریدگان او می‌پرداختند (یسن ۹/۲۸).

در یک قطعه گاهانی (یسن ۶/۲۸) به زردشت به عنوان موبد اجراکننده مراسم اشاره شده است. عمده استدلال کلنز در این مورد که زردشت احتمالاً نمی‌تواند مؤلف و پدیدآورنده گاهان باشد، بر پایه همین یک اشاره است:

«ای دانا... به زردشت و به ما پشتیبانی نیرومند بخش، ای اهوره تا که با آن بر دشمنی‌های دشمنان غالب آییم».

کلنز استدلال می‌کند که قرار گرفتن نام زردشت در اینجا در تقابل با ضمیر اول شخص جمع «ما» روشن می‌سازد که او جدا از پرستندگان است و بدین ترتیب «من» یا «ما» گاهان، تنها به

پرستندگان اشاره دارد نه به خود زردشت، و از اینجا نتیجه می‌گیرد که اگر نه غیر ممکن، دشوار است که زردشت خالق گاهان باشد (کلنز - پیرار، ۱۹۸۸: ۱۸-۲۲، ۳۲-۳۶؛ کلنز، ۱۹۹۴: ۱۵۴ به بعد).

هینتسه (۲۰۰۲: ۴۹) معتقد است که واژه‌های یسن ۶/۲۸: به زردشت و «به ما» نباید به تنهایی، بلکه باید در بافتی وسیع‌تر، با توجه به پاره‌های بعدی تفسیر شود، چون نه تنها پاره ۶ بلکه تمام چهار پاره مرکزی سرود حاوی اصطلاحات مشابهی در بیت دوم خود هستند: به اهوره‌مزدا (۵/۲۸)، به زردشت و به ما (۶/۲۸)، به ویشناسپ و به من (۷/۲۸) و به فروشتر و به من (۸/۲۸). بنابراین در میانه سرود آغازی گاهان، یعنی یسن ۲۸، شخصیت‌های مهم گاهانی، روشن و حساب شده، نام برده شده‌اند.

افزون بر این، در اوستای جدید نظیر این عبارت آمده که اصطلاح گاهانی «به زردشت و به ما» را روشن می‌سازد. در یسن ۱۲/۶۸، که بخشی از مراسم آب‌زهر (یسن‌های ۶۳-۶۹) را تشکیل می‌دهد، عبارت «به من، روحانی پرستنده، و به ما، مزدیستان پرستنده» آمده است. در اینجا تمایزی میان «به من» روحانی پرستنده، از یک سو، و «به ما» جماعت مزدیستان، از سوی دیگر، دیده می‌شود. در سطور بعدی از کسانی نام برده می‌شود که در میان مزدیستان‌اند:

۱۲/۶۸ - «بدهید، ای آب‌های نیک، به من روحانی (= زوتر) پرستنده، و به ما،

مزدیستان پرستنده، دانش‌آموزان و شاگردان، هیربدان و آموزگاران، مردان و زنان،

برنایان (= پسران) و دختران، و کشاورزان

۱۳/۶۸ - ... گشتن و یافتن راست‌ترین راه را...»

این عبارت به روشنی نشان می‌دهد که تمایزی میان «من» یعنی «روحانی سراینده» و «ما» یعنی مزدیستان وجود داشته است و اینکه آنها، همگی مراسم پرستش را به جا می‌آورده‌اند. همین‌الگو، دقیقاً زیر بنای قطعه گاهانی را تشکیل می‌دهد، که طبق آن، می‌توان آن را این‌گونه تفسیر کرد: «به (من)، زردشت و به ما (مزدیستان)». زردشت روحانی اجراکننده مراسم است، و «به ما» به کل جماعت مزدیسی اشاره دارد که همه پیرامون آتش مراسم گرد آمده‌اند. نام دو تن از اعضای برجسته «ما»، ویشناسپ و فروشتر، در پاره‌های بعدی (۷/۲۸-۸) آمده، حال آنکه به روحانی یعنی زردشت (بنابر تفسیر بالا)، با ضمیر شخصی «به من» اشاره شده است. اینکه زردشت خود روحانی بوده است نه تنها از اوستای جدید، بلکه از یک عبارت گاهانی (یسن ۶/۳۳) نیز آشکار می‌شود، جایی که گوینده، «من»، به خود به عنوان یک زوتر اشاره می‌کند (همانجا، ۴۹-۵۰). زردشت به مقتضای پیشه موبدی و آموزش‌های کسب کرده، می‌تواند خود پدیدآورنده سرودها و سراینده آنها در حین اجرای مراسم باشد.

۱-۶. وزن گاهان

ویژگی وزن گاهان شکل پارهای آن است. هر پاره دارای تعدد معینی بیت و هر بیت تعداد مشخصی هجا دارد. شمار هجاهای هر مصراع جای درنگ و شمار ابیات یک پاره، وزن هر پاره را معین می‌کند. مصراع‌های هفت‌هجایی اصلی‌ترین رکن در هر پنج وزن گاهان است. سپتامتروگاه دارای پاره‌های چهاربیتی است و هر بیت دو مصراع چهار و هفت‌هجایی دارد. یسن ۴۷ کمترین پاره (۶ پاره) و یسن‌های ۳۱ و ۵۱ بیشترین پاره (۲۲ پاره) را دارند.

۱-۷. دستنویس‌های یسن‌ها

برای آشنایی با این دستنویس‌ها ← هومباخ، ۱۹۹۱، ج ۱: ۶۶؛ میرفخرایی، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۷.

۱-۸. پیشینه پژوهش

گاهان از دو سده پیش موضوع تحقیق ایران‌شناسان و اوستاشناسان بوده است. حجم زیاد این ترجمه‌ها و تفسیرها، هم توجه فراوان دانشمندان را به گاهان به عنوان کهن‌ترین سند مکتوب زبان و ادب ایرانی نشان می‌دهد و هم مبین آن است که هنوز سخن آخر درباره گاهان گفته نشده و اسرار و رموزی که در واژه واژه و سطر سطر این یادگار باستان نهفته است نیازمند رمزگشایی است. برای آشنایی با گوشه‌ای از این کوشش‌ها ← کتابنامه

۱-۹. فرایند پژوهش

پژوهش حاضر شامل پیشگفتار، مقدمه، یادداشت‌های مقدمه و سه فصل است. فصل نخست در بر دارنده متن اوستایی، ویراسته گلدنر، حرف‌نویسی متن اوستایی یسن ۴۷ و ۴۸، برگردان فارسی، یادداشت‌های برگردان و شرحی درباره ساخت متقارن در تالیف یسن ۴۷ است. فصل دوم شامل مقدمه‌ای بر برگردان اوستا به پهلوی (= زند)، متن زند، آوانویسی، برگردان فارسی و یادداشت‌های آن است. فصل سوم واژه‌نامه اوستا - زند - فارسی است. در مقدمه، چنانکه گذشت، به اوستای قدیم و ترتیب قرار گرفتن این متون بر اساس شواهد اوستای جدید، ارجاع‌های درون‌متنی میان سرودهای گاهان، شیوه تالیف شفاهی گاهان، موقعیت یسن هفت‌ها در میان گاهان و مؤلف و پدیدآورنده گاهان پرداخته شده است. در برگردان فارسی به آثار و آراء اوستاپژوهان نامی توجه و در یادداشت‌ها به آنها اشاره شده است. سعی بر آن بوده در برگردانی که از این دو فصل ارائه شده است، تا حد امکان حالت‌های دستوری متن اوستایی حفظ شود. از

این رو ممکن است در برخی موارد برگردان سنگین به نظر آید که کوشش شده است در یادداشت‌ها ابهام‌های ترجمه روشن شود. فصل دوم شامل مقدمه‌ای درباره ترجمه‌های پهلوی موجود، تاریخ نسبی آنها و مفسران زند، سنت ترجمه و علت ترجمه اوستا به پهلوی، روش ترجمه، توضیح و تفسیر در زند، زند گاهان و چند اصطلاح کلیدی، امشاسپندان، تن پسین، سوشیانس پرداخته شده است. آشکار است که دشواری‌های متن زند از خود گاهان بیشتر است و ظاهراً به همین سبب است که تاکنون ترجمه‌ای از زند گاهان به هیچ زبانی انجام نشده است. به نظر می‌رسد مترجمان و مفسران زند، با توجه به فاصله زمانی با گاهان و دور بودن از فضای روحانیت سنتی و وارد کردن برداشت‌های خود در تفاسیر و گزارش‌ها، برگردانی به دست داده‌اند که نه تنها فارسی میانه اصیل نیست، بلکه از مفاهیم و تعبیر گاهانی نیز به دور است. اما از آنجا که نکات و اشارات از طریق همین ترجمه‌ها و تفسیرها به متون و ادبیات پهلوی راه یافته، به دست دادن برگردانی، هر چند غیر مطمئن، خالی از فایده نخواهد بود. در ادامه متن زند ویراسته دابار با چند تصحیح، آوانویسی، برگردان فارسی و یادداشت برگردان آمده است. در فصل سوم، واژه‌نامه، کوتاه‌نوشت‌هایی که در واژه‌نامه به کار رفته، آمده است. صورت‌های صرفی هر واژه زیر ستاک و صورت‌های فعل زیر ریشه آمده است. مقوله دستوری و معنای هر واژه در برابر ستاک و صورت‌های صرفی با ذکر حالت، جنس و شمار، زیر ستاک و در هر مورد با شماره بند آمده است. برگردان زند هر واژه نیز در برابر صورت صرفی واژه‌ها یاد شده است. کتابنامه و نمایه بخش پایانی پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۱-۱۰. یادداشت‌های مقدمه

۱. کلنز (۱۹۹۱: ۶۲) و کلنز - پیرار (۱۹۸۸: ۱۷) به پانزده مورد نام زردشت اشاره کرده‌اند و مورد یسن ۱۶/۴۳ را از قلم انداخته‌اند. از شانزده مورد گاهانی نام زردشت، شش مورد در حالت نهادی (یسن‌های ۸/۲۹، ۱۴/۳۳، ۸/۴۳ و ۱۶، ۶/۵۰، ۱۵/۵۱)، سه مورد در حالت وابستگی (۳/۱۵۳ و ۱/۵۴)، چهار مورد در حالت برایی (۶/۲۸، ۱۹/۴۶، ۱۲/۴۹، ۱۱/۵۱)، دو مورد در حالت رایبی (۱۳/۴۶، ۱۲/۵۱) و یک مورد در حالت ندایی (۱۴/۴۶) است (هینتسه ۲۰۰۲: ۳۵).
۲. ۶/۲۸: «با اندیشه نیک بیا؛ بده از طریق راستی، با سخنان متعالیت، هدیه دیرپا ای مزدا، پناهی نیرومند به زردشت و به ما، ای اهوره، که با آن بر دشمنی‌های دشمنان پیروز شویم».
۳. آنچه که سبک ادبی هفت‌ها نامیده می‌شود، در سنن هندواروپایی نظائری دارد و عنوان سنتی این نوع تصنیف «نثر شاعرانه» است (واتکینز ۱۹۹۵: ۲۳۲-۲۴۰).